لو یه جرگه سال ۱۳۰۹ ه.ش (۱۹۳۰م)

باسقو ط دو لت اما نی وبر سر اقتدار آمد ن بچه‌سقا دور ه نه ماهه و حشت و بر بر یت در کشو.ر سا یه‌افگند تما می ریفور م های‌اصلا حی‌دوره اما نی به خاك یکسا ن شد ه و از پیشر فت و ترقی‌خبر ی نبود ه و اغتشا ش دا خلی سراسر کشو ر رافراگر فته بود . قابل تذکراست که بو جود آمد ن این رو یداداسف انگیز امپر یا لیز م انگلیس نقش اساسی راداشته‌است .

رو حیه ضد انگلیسی دولت«جوانا ن افغا ن» آ نا ن را وادار سا خته بود تا ازهیچ‌گو نه تو طئه گر ی جهت سقو ط این دو لت که رو حیه‌خو ب مردمی دا شت ، دریغ نور زد و هما ن بود که‌باکاربست چا ل و نیر نگ ها ی شا ن توا نستند نما ینـد ه‌شا ن (حبیب الله بچه سقا) را روی صحنه آورده و آفتی‌را بر سر مرد م و کشو ر ما ناز ل نما یند .

به هر حا ل نه ماه گذشت‌بچه سقا از بین رفت‌وجایش را به نادر شا ه گذا شت .(توضیح چگو نگی از بین ر فتن بچه سقا و بر سراقتدارآمد ن نادر شا ه در این یادداشت نمی گنجد)

بعد از اینکه محمد نـا درشا ه بر تخت شا هی‌نشست در سا ل ۱۳.۹ه. ش لو یه جر گه را دعو ت کردتابتواند بوسیله آ ن و ضع ناهنجاری‌که در دور ه سقا و ی بو جود

آمده بود از بین برد ه‌وامن و آرامش را در کشور بیاورد باصدور فرمان جرگه‌حدود ۳۰۰ نماینده از سراسر کشور در کابل جمع شده ودر ۱۸ سنبله ۱۳۰۹ کار ش آغاز گردید .

لویه جرگه سال ۱۳۲۰ ه،ش (۱۹۴۱م)

جنگ جهانی دوم آغازشده و آتش کین و خشم‌آن کشورهای اروپایی‌را درکام‌خود فرو برده و به کشورهای آسیای شرقی نیزرسیده بود . در چنین روزگاری دولت افغانستان‌جهت‌حفظ سیاست بیطرفی وداخل نشدن در میدان حرب به‌دعوت لویه جرگه پرداخت و در ۱٤ عقرب ۱۳۲۰ به‌اشتراك يك هزار نماینده انتخابی مردم کار جرگه‌آغازشده و یکبار دیگر موقف بی طرفی افغانستان تائیدو تصویب گردید . که با چنین تصویبی کشورو مردم‌ما از شر جنگ آدم سوز فاشیستی رهایی یافت .

لویه جرگه ۱۳۳٤ ه،ش (۱۹۵۵م)

مساله حق تعین سرنوشت‌پشتونها و خط دیورند از مسایل مبرمیست که‌اختلافات‌اساسی بین کشور ما و حکومت پاکستان رابوجودآورده است . بعد از ایجاد حکومت پاکستان و دست‌درازی آنها به مناطق پشتون نیشنی آن طرف مرزها ، حکومت‌افغانستان سعی‌وتلاش همیشگی داشته تادست تجاوزآنها را از سر پشتونها کوتاه شده و بگذارند تا آنها خودسرنوشت شانرا تعیین‌نمایند.

.همین مسأله و اختلاف نظـــر سبب شده که مناسبات میا ن دو کشور را هر چه بیشتـــر تیره ساخته و حتی گا هگا هی زمینه تجاوز به حاکمیت دولتی ما را فراهم سازد به همیـــن دلیل در ۲٤ عقـــرب ۱۳۳٤ نخستین جلسه لویه جر گه در کابل دایر گردیده و فیصلـــه نمود که افغانستان ضرورتـــا پشتونها را که ملیت هم نژادوهم کلتور با ماست در تعیین سرنوشت شان یاری برساند ، هم چنان این جرگه بزرگ به حکومت مشوره داد تا آماده گی لازم جهت دفاع از خـــویش داشته و خودرا مجهز وتقویه نماید . همچنان این جر گـــه مساله دوستی افغانستان ر ابا اتحاد شوروی مورد تا یید قرار داد .

لویه جرگه در سال ۱۳٤۳ هـ.ش (۱۹٦٤ م) :

گذشت زمان ، انکشـــا ف حیات اجتماعی و ظهور جنبش های دموکراتیك را در کشور، شدت میبخشید حلقه هـــا ی روشنفکران در هر کجا سخن از نهضت و ترقی میزدنـــد و تقاضای آزادیهای بیشتر ر اداشتنند .

قانون اساسی که ۳٤ سال قبل تصویب گردیده بوددیگر نمیتوانست مطابق با زمـــا ن باشد بناء تحت همین فشا ر محمد ظاهر شاه نا گزیـــرشد تا کمیسیونی را جهت تسوید قانون اساسی توظیف نما یدو بعدا قانون متذکره در لویه جرگه مورد تصویب قرارگیرد. جرگه بتاریخ ۱۸ سنبله ۱۳٣٤ در کابل دایر شد این جر گه بزرگ ملی علاوه بر تصویب مسوده قانون اساسی بـــــردو مطلب دیگر که در جرگه

های قبلی نیز بر آن بحث ومذاکره شده بود تماس گرفته واعلامیه را در زمینه صا درنمود و این دو مساله عبارت است از تایید سیاست بیطرفی افغانستان ودفاع از حقوق برادران پشتون و بلوچ .

لویه‌جرگه ۱۳۵۵ (۱۹۷۶م):

محمد داود خان در نخستین ماههای حکومت جمهور کمیسیونی را جهت تسوید قانون اساسی موظف ساخت. کمیسیون متذکره قانون اساسی کشور را تهیه نموده وبعد از بررسی ومطالعه آنرا آماده تقدیم به جرگه کبیر مشورتی یا لویه جرگه نمود . جرگه روز دهم دلو ۱۳۵۵ بااشتراك ۲۲۲ نماینده در کابل دایرشند . لویه جرگه علاوه بر تصویب قانون اساسی اجراآت دولت را به بررسی گرفته و رئیس جمهور افغانستان رابرای شش سال انتخاب نمود.

لویه جرگه ۱۳۶۰، (۱۹۸۱م) :

واما لویه جرگه ۱۳۶۰ ا زلحاظ ماهیت با تمامی جرگه های قبلی تفاوت بنیادی دارد .ح.د.خ.ا. از آغاز مبارزات طبقاتی اش بدین باور بود که نجات خلق های ستمدیده و زجر کشیده از قید ظلم وبیعدالتی ها نیاز به تشکل آنان داشته وجز از راه مشورت ، همدلی ، یکدستی ویك رنگی دشوار خواهد بو دتابه ایجاد جامعه شگوفان نایل آمد . با حفظ این مطلب که بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند ثور زمینه ایجا دسازمانهای اجتماعی فراهم شده

ویکی پی دیگری هسته گذاری‌شدند ، در شرایط انقلابی بخصوص در شرایط مبارزه‌با نیرو های مخالف آشتی ناپذیر و تحقق دگر گونی‌های‌انقلابی ضرورت تشکل نیرو های وطنپرستانه کشور دریک‌سازمان وسیعتر وجودداشت.

حزب دموکراتیک خلق‌افغانستان با درنظر داشت این اعتقاد که جرگه های‌محلی نه تنها هسته یک تشکل اجتماعی در سطح محل‌بوده بلکه حلال مسایل مهم حیاتی ملی است ، همیشه‌آنرا، مورد توجه قرار داده. چنانچه در (جدی ۱۳۵۸) توجه‌به تشکیل جبهه ملی بمنظور سهمگیری توده های مردم درامر تامین زندگی صلح آمیزو اعمار افغانستان انقلابی ،صورت گرفت .

لویه جرگه ۱۳٦٤ هـ ، ش(۱۹۸۵ م) :

همچنانکه قبلا متذکر گردیدیم بعد از پیروزی انقلاب ثور امپریالیزم جهانی بنا برخصلت غارت گرانه اش دست به توطئه ها ودسایس زده‌پیوسته مذبوحانه تلاش‌میورزد تا جلو رشد و تکامل جامعه مارا گرفته نگذارد مردم ما در بهروزی و کامگاری حیات به‌سر ببرند . به همین علت در سال ۱۳٦٤ که دامنه‌مداخلات بیشرمانه آنان‌بیشتر از پیش وسعت پیدا کرد ،بنابر رسم و عنعنه نیاکان ح.د.خ.ا، منحیث نیرو ی‌رهبری کننده جامعه یکبار دیگر لویه جرگه این مظهراراده خلق را دعوت نمود تا باشد بخاطر حفظ استقلال‌سیاسی ، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشور فیصله یی‌را صادر نموده وبخاطر قطع



انتشارات کمیتهٔ دولتی طبع ونشر ج.د.ا
مطبعهٔ دولتی

مداخلات بیگانگان و نجات مردم از شر این نابکاران تصمیم اتخاذ نمایند . همچنان این جرگۀ بزرگ ملی سیاست داخلی وخارجی ج.د.ا، موردتایید و تصویب قرار داده بر دوستی دیرینه و عنعنوی افغانستان و اتحاد شوروی باز هم صحه گذاشت .

واپسین سخن :

واینک بر بنیاد رسم بس نیکو و پسندیدۀ پدران وبا در نظر داشت عنعنات ملی ومذهبی ، حاکمیت مرد می ما بنابر خصوصیت همیشگی اش بار دیگر به نماینده گان حقۀ خلق، بمردم روی آورده جرگه بزرگ ملی آنان رادعوت نموده است . اینبار جرگه بزرگ وطنی بخاطر قطع جنگ خانمانسوز و برادر کشی و بخاطر میهن و مردم بلاکشیده ماازآتش کینه ونفاق و بخاطر تامین امنیت سراسری در کشور بر گذارمیگردد . لویه جرگه این حلال دشواری ها و مشکلات ،این مظهر ارادۀ نیکو ی مردمان ما بخاطر خیر وفلاح ، اینباردر شرایطی بر گذار میگرددکه حاکمیت انقلابی بخاطر تا مین صلح وامنیت در کشور و بمنظور قطع آتش جنگ مصالحۀ ملی را اعلان نموده ودرین راه گامهای عملی سودمندی برداشته شده است. متیقن هستم لویه جرگه همچنانکه در طول تاریخ بیش از هزار ساله اش در مواقع ضرور تصامیم با ارزشی گرفته و آنرا در منصه اجراگذارده باز هم تصمیمی اتخاذ خواهد نمود که با پیاده نمودن آن در میدان عمل خیر و فلاح نصیب مردم ما خواهدگردید . (ختم)

پیشگفتار

عنعنه تدو یر جر گه ها رابه‌مثا به یك رسم پسند یده و افتخا ر آ میز از پدرا ن‌ونیا کان‌به‌ارث برده‌ایم جر گه ها بمثا به‌مظهر اراده‌خلق بخاطر حل معضلا ت و دشوار یها یکــه میان اقوام وملیت‌های ساکــن‌در کشو ر بو جود آ مده وحتی در رو ز گار ی که مساله‌دفاع ا ز وطن ، استقلا ل ،حاکمیت ملی ، تما میت ار ضی شرف‌و حیثیت مرد م در برابــر دشمنا ن مطر ح بود ه ، دایر گــردیده وبا فیصله هــا ی ساز ند ه اش‌ضربه خوردکننده‌برخائنین و د شمنــان وا رد آورد ه است .

مرد م افغا نستا ن در طو ل‌تاریخ پر افتخا ر شا ن‌پیوسته سعی نمود ه تا در قضــایا ی‌مهم و حیا تی ، نما یند گان خ و یش را غر ض رسیدگی‌به آ ن در یك منطقه متمر کز

سازند و مشکل ایجاد شده را در میا ن گذارده و را ه حلی برا ی آ ن جستجو نما ید.

فکر تشکیل این اجتما عا ت تاریخی (لویه‌جرگه‌ها) منجیث میراث گـرانبهـا و پر ار ج گذشتگا ن ما از قرنها بدینسو رایج بو ده و در مـوا قـع لازم به کار تدو یر آن پرداخته اند .

درست رو ز گار ی که مردم کشو ر ما از حیا ت گله‌داری وارد مرحله حیا ت طایفو ی قبیلو ی شد ند ، در تنظیم امور مر بو ط به ز ندگـی اجتماعی شا ن جهت ا خـذ مشور ه ، نظر یا ت و افکا رتما م طبقا ت و اقشارجامعه دست به ایجاد مجا لسی زدندکه یکی از آ نا ن بنا م«سبها» یاد میشد . درین جر گه‌رویدادهای کو چک سیاسی و اجتماعی ده‌و قر یه حل وفصل میگردید.

این اجتماع کو چـک یـک خصو صیت بر جسته داشت و آن اینکه ز نا ن در پهلو ی مردا ن سهم مساو یا نه‌درحل مسایل ملی آ ر یا نا ی کهـن‌دا شتند . به همین تر تیـب در آر یا نا ی قدیم جر گه‌دیگری بنا م «سمیتی» نیز و جـود دا شت که در آ ن هما نـنـد جرگه «سبها» هر کس نمی‌توا نست اشترا ك نما یدبلکه‌صر ف بزر گـان و اعیـان درین مجلس را ه دا شتند .بو سیله همین مجلس شاه در آر یا نا ی کهن انتخا ب میشد

در دورا ن ز ما مـدار ی کنشکا ی کبیر (۱۲۰ـ۱۶۰م) نیز جر گه بزرگ مذ هـبی‌دا یر گردید ه بود . کنشکا به مثا به یکی از معتقدین دیـن‌بودا یی با مشور ه علما ی این

کیش بخا طر آ ورد ن بعضی تعدیلا ت دراصو ل کهـــن
کیش بودا یی با شر کت ..۵ تن از علما ی متبحر ، جر گه
دایر نمود ه و در زمینه فیصله های صادر نمودند .

بر هر آنچه درین جر گه ها میتوا ن حسا ب کرد مسا له تعمیل فیصله های آنهـا د رعمل است یا در نظر دا شت شئو نا ت افغا نی ، هرافغانی که در جر گه شر کت میورزد خود را مکلف به عملی نمودن فیصلهٔ و تصاو یب جر گـــه میدا ند . این عنعنه نیك تـــا امرو ز برا ی هر افغا ن قابل قبو ل بود ه و در وجودجر گه ها و لو یه جر گه به صور ت دقیق تر و منسجم تر تبلوریا فته است . بطور کل میتوان گفت که جر گه های ملی د رطو ل تاریخ کشور مابخصوص در قر ن ۱۷ــ۱۸ و به طورمشخصتر در قر ن ۱۹ افغا ــ نستا ن نقش مو ثر ی را درحفظ استقلا ل و مبار ز ه بـــر ضد بیگا نگا ن ایفا نمــود ه است . حتی گا هگا هی اراده مرد م ما مبنی بر تشکیل جر گه های ملی قیا م های ملی رادر پی دا شته است به گو نـــه مثال میتوان از تشکیل جلسه ملی که منجر به قتل مکنا تن زما مدار با صلا حیت انگلیس شد ه ، نا م برد که بعـــــدا شورای متشکل از مبا ر زا ن ملی وز یر اکبر خا ن راطی ج ر گه منحیث رهبر ملـــــی پذ یر فتند .

در یادا شت حا ضر اگـــر قرار با شد جر گه ها را بـــا تما م خصو صیا ت آن بررسی نمائیم دشوار خوا هد بود ،

بناً با یك دید مختصر بر سیر کرو نولو ژیك آ ن در کشور از گذشته های دور تا امرو زاکتفا میکنیم .

جرگه تاریخی ۱۰۸۸ هـ . ش(۱۷۰۹ م)

بعد از سقو ط دو لـــــت پیشدا دیان . آر یا ناکه بـــر بنیاد [redacted] گه های ملی (سبهاوسمیتی) بو جود آمد ه بود، تا تشکیل دو لت هو تکیا نقند ها ر قسمت عمد ه حیات اجتماعی مرد م ما را مبارزات اجتماعی وسیاسی در بر می- گیرد که بمنظور حفظ استقلال سیاسی و بهبود حیات سیاسی و اجتماعی صور ت گر فتـــه است . این مبارزا ت در طول تاریخ آر یا نا ی قدیم، بیانگرسهم فعا ل مرد م در امــور مر بو ط به ز ند ه گی شـــان بوده است بخصو ص د رجر- یا ن قر ن هفد ه که جنبشــهای ملی ضد مغولی را بـــه ر هبر ی با یز ید رو شا نوخو شحال ختــك بو جـــود آورد . اما جر گه تاریخـــی۱۰۸۸ که به ر هبر ی میرویس خا ن هو تك بمیان آمـــد . ازارز شمند ی خا صی برخوردار بو د ه وتوانسته است نقش موثری دردگر گونی حیـــات سیاسی واجتما عی جا معه ماایفا نماید .

زیرا بعد از سقو ط دولت تیمور یا ن هرات و متلا شی شد ن و حد ت ملی ز مینـــه خو ب تعر ض صفو یان د ر خا ك ما مسا عد گردیده بودو آ ن دو لت با استفا ده از شیو ه تفر قه انداز ی وتعصبات مذهبی توا نسته بود بو سیله نماینده ه شا ن گر گین دقیقاآتش ظلم و ستم را درقندهار بر افروز د که تحمل چنا نو ضع بر افغا نا ن د شوا ر

بود بناً درصدد از پادراندا ختن گر گین بر آمد ند درین جرگه
غیر از میرو یس خان هو تکی بزرگ مردا ن دیگر ی نیــز
چو ن سیدا ل خا ن ناصری، با بو جا ن با بی ملا پیرمحمد
میاجی ، بهادر خان و دیگر ان نیز سهم دا شتند که نقش
هر کدا م شا ن بر جستگــی خاص خودش را داشته است.

خصو صیت متبار ز ایــن جر گه در آ ن بود که برخلاف
سابق رو سا ی قبایل ابدالی، غلجا یی ، تا جیك ، هزار ه
از بك و بلو چ بشمو ل مــلاهای متنفذ منحیث یك نیر وی
واحد ملی متشکل گردید ند.

جرگه ملی و تاریخی «شیر سرخ» سال ۱۱۲٦ ه،شــ (۱۷٤۷م)

با سقو ط دو لت هو تکی‌ها دست تسلط ایرا نیان دو-
بار ه بر کشو ر آ زاده مــــادراز شد و نادر افشا ربا تحت
تصر ف در آوردن هــرا ت، فرا ه ، قند هار و بعضی ا ز
قسمت های دیگر کشو رراهی هندو ستا ن گردید ، بازهم
گرا نی بار تسلط بیگا نگا ن میهن پر ستا ن ما را به تحرك
بیشتر وا داشت .

با کشته شد ن نادر بدست افسرا نش قشو ن افغا نی که
در لشکر نادر بود به قوماندانی نور محمد غلجا یی واحمدخان
ابدا لی ر هسپار قند ها رشده و با اقوا م دیگر چو ن ازبك
ها ، تاجیك ها ، هزار ه، وبلوچ فکر تشکیل جر گه یی
راکردند که بو سیله آن بتوانند سر نوشت کشوررا تا میــن
نما یند .

جر گه در سال ۱۱۲٦هـ ش(۱۷٤۷ م) درمزا ر«شیرسرخ» دایر شد و بعـد از ۹ رو زمبا حثه و جلسا ت پیهم احمد خان ابدالی را به حیث پادشاه‌افغا نستا ن انتخا ب‌نمود .

این جر گه سی‌و هشتـت‌سا ل بعد از او لین جر گه‌ملی در شهر قند هار تدو یریافت‌که هما نند جر گه او لی‌منجر به تشکیل دولت مقتـدر د رکشور گردید . جر گه سا ل ۱۱۲٦ نیز تاثیرات بزرگی رادر تا ریخ کشو ر از خود بجا گذا شته اسیت ز یرا با پاد شا هی احمد خا ن ابدا لـی افتخا رات افغا نستان هر چه‌بیشتر از پیش گردید .

احمد شاه بابا هما نطوریکه‌با آرا ی جر گه به پاد شا هی رسید به هما ن تر تیب‌بـاحما یت اقوا م مختلف‌توانست به تشکیل یك امپر اتـور ی‌وسیع ومستحکم دست بزند.

لویه جرگه ۱۸٦۵ م : (۱۲٤٤ هـ،ش)

با اینکه امیر شیرعلی خان‌باریکه سلطنت تکیه زدبحران شد ید دا خلی دا منگیر ش‌شدز یرا افغا نستا ن در دور ه تسلط محمد زا یی ها یعنـی‌از آغا ز حکمروا یی این‌خاندان تا عهد و ی دستخو ش اداره‌ملوك الطوایفی بوده و بیشتر از نیم قر ن فشا ر بر طبقات‌ستمکش جا معه ز مینه رابرای زد و خورد های دا خلی مهیاسا خته و اختلا فات ومنازعات قو می و قبیلو ی را شد ت‌بخشید ه بود امیر نا گزیـر بود امنیت دا خلی کشو ر راتآمین نمود ه و منا ز عا ت را ازبین ببرد تاباشد راه‌عملکردبرا ی بر نا مه های اصلاحـی اش باز گردد. و برا ی‌ایـن‌منظور دست به تشکیل لویه

جر گه زد که در آ ن دو هزارنماینده از تمام طبقات و اقشار اقوام و ملیت های ساکن کشور شرکت جستند. این جرگه بزرگ ملی در تاریخ قرن ۱۹ کشور از اهمیت شایانی بر خوردار است زیرا با تصامیم و فیصله ها یکه درجرگه اتخاذ گردید منازعات خیلی شدید داخلی که جامعه را بسوی بد بختی میکشاند از بین رفته گام موثری در جهت تامین امنیت داخلی کشور بر داشته شد .

جرگه ملی و قومی ۱۲۹۴ هـ.ش (۱۹۱۵م)

این جرگه که در دور حبیب الله خان در روز گار جنگ جهانی اول دایرشده بود موقف بی طرفی افغانستان را در جریان جنگ تائید نموده است ، با حفظ این مطلب که عده یی از اشتراک کننده گان جرگه سخت خواستار آن بودند تا جهاد علیه انگلیس ها آغاز گردد ولی با استفاده از احساسات مذهبی مردم و روش های دیگری که نزد درباریان وجود داشت شاملین جرگه را فریفته و آنانرا ازجهاد با انگلیس باز داشتند و به این ترتیب تنوانستند خوشخدمتی را به انگلیس ها انجام دهند . اماروح استقلال طلبی آزاد منشی و ضد انگلیسی مردم ما در وجود مبارزات آزادیخواهانه «جوانان افغان» که ازبزرگان دولتی نیز در رهبری آن قرار داشتند قوت بیشتر یافته و سر انجام در عصر امانیه جهاد علیه انگلیس ها و بخاطر بدست آوردن استقلال سیاسی کشو رآغازگردید .

جرگه ۱۳۰۱ ه،ش(۱۹۲۲م)

بعد از احرا ز استقلا ل وغلبه بر انگلیس ها شرا یط نو ین سیاسی اجتماعی د رکشو ر بو جود آ مد .تغیرات ی در و ضع ز ندگی‌مردم‌پدید آمده تحر ك و جنب و جو ش ایجاد شد . کـــه درپیشا پیش آ نا ن شاه امان ـ الله جوا ن و تر قی پسنـــدکشو ر قرار داشت . شاه به خاطر تغیر وارد آ ورد ن وبهبود و ضع ز ند گی دو م طر حهای اصلاحی پیش‌کشیده‌وسعی مینمود تا در عملکـرد آنا ن رای عا مه را نیز بیگیرد.به همین تر تیب از او لیـن کار های بزرگ (اما ن‌الله‌خان‌یکی تسو ید قانو ن اسا سی و در معر فی آرای عامه قرارداد ن آ ن بود ، شاه‌در ۱۳۰۱ ه،ش جر گه کبیر ملی را درشهر جلا ل آ باد با اشتراك ۸۷۲نفر تشکیل کرد تا برمسود ه قانو ن اسا سی غور نمود ه و در فضا ی کا مـلاآزاد نظر یا ت شا نرا که‌منافع مرد م در آ ن نهفته بودارائه‌نما یند ، و در همین جر گـه تصو یب شد تا از آ ن تار یخ‌به بعد در هر سه سا ل‌یکبار لو یه جر گه دعو ت شد ه‌ومسایل ملی و اجرا ت دو لتی را به بر رسی بگیرد .

لویه جرگه ۱۳۰۳ ه.ش (۱۹۲٤م)

بعد از تصفیه حسا ب بـاانگلیس و بد ســـت آمد ن استقلا ل سیاسی کشــو رحکو مت به ر هبر ی شاه امان الله در صدد بو جود آو رد ن‌ریفور م های اصلا حی‌بر آمده و طور ی تنظیم گردید که دردو مر حله این ریفور م هامورد

عملکرد قرار گیرد در مر حله‌او ل گا م عملی جهت تحقق اصلا حا ت طر ح شده بر دا شته شد ه و یك نهضت عظیم اجتماعی و فر هنگی درکشور آغا ز گردید جهت تحقق مر حله دو م اصـــلا حا ت وتصو یب مواد مندر جه قانو ن اساسی سـا ل ۱۳۰۱ امیر امان الله خا ن دست به تشکیل جرگه بزرگ ملی (لویه جرگه)زد و در سا ل ۱۳۰۳جر گه، نخستین قانو ن اساسی افغا نستا ن را تصو یب نمود .

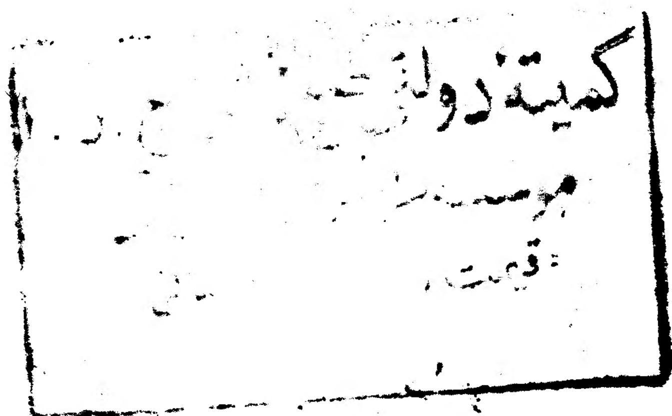
از همین تا ریخ به بعد کشورما برا ی او لین بار درحیات سیاسی اجتماعی اش صا حب قانو ن اساسی گردید و آنهم قانو ن اساسی که نما ینده گان مردم از سراسر کشور برآن غور نمود ه و تصو یب نافذش کردند که مسلما این امر خود منحیث یك رویداد برجسته درتاریخ کشور ما به حسا ب میا ید .

متصل اینکه امیرامان‌الله‌خان‌در سا ل ۱۳۰۷ از سفر هفت ماهه اش از کشور هـــا ی‌ارو پا یی به افغا نستا ن بر گشت میخوا ست مر حله‌دوم‌اصلا حا ت اقتصادی اجتماعی را هر چه زدو تر به منصه‌اجرا گذارد و بد ین منظـو ر بار دیگر نما ینده گا ن بـا صلا حیت مرد م اعم از علما روحا نیون ، رو شنفکـر ا ن بشمو ل زنان جهت اشترا ك در لو یه جر گه سال ۱۳۰۷ گرد آمد ند . ایـن جر گـه بزرگ مر دمی نیز هما نـندسایر جر گه ها مسا یل مبرم و حیا تی جا معه راموردبحث قرار داده وفیصله‌های سازنده را به‌تصویب رسانید .

نظر مختصری بر پیشینه لویه جرگه ها

در میهن ما

نصیر سهام



نظر مختصری بر پیشینهٔ لویه‌جرگه

هادر سیهن سا

نصیر سهام



نام‌کتاب : نظرمختصری بر...
نویسنده : نصیر سهام
سال ۱۳۶۶
شماره : ۱۰۷
تیراژ : ۱۰۰۰
محل‌چاپ : مطبعه دولتی

فهرست مطالب